محمدصالح گردش

۲۰۲۶/۰۱/۰۹

قندهار سرزمین خوشبو و مهد زیباورویان

سرزمین قندهار در گسترهٔ تاریخِ شعر و ادب پارسی دری، به سرزمین خوب رویان و زیباورویان قندلب(شکرین لب) شهرت داشته است چنانکه اسدی یکی از شاعران کلاسیک در وصف زیباورویان قندلبِ قندهاری گوید :بُدش قندهاری بُتی، قندلب که ماه از رُخش تیره گشتی به شب یکی سروِ سیمین، بپرورده ناز بَرَش مُشک و شاخش بَریشمنواز سنایی نیز در وصف زیباورویان و بتان طناز قندهاری می سراید :صانعی باید حکیم و قادر و قایمبهذات تا پدید آید زِ صُنع وی بتانِ قندهار فرخی چنین می سراید :بزمِ تو از ساقیانِ سروقد چون بوستان قصرِ تو از لُعبتانِ قندلب چون قندهار همینگونه شعرای دیگر کلاسیک پارسی دری مانند خاقانی و منوچهری و انوری و دیگران نیز به وصف قندهار و بتان زیبا و قند لب اش سروده هایی از خود بجا گذاشته اند که به این مختصر نمی گنجد، اما ناگفته نماند که اهل قندهار بیشتر صاحب چشمان آهویی و زیبا و سرمست نیز اند و قندهاری ها با داشتن چشمان زیبا در اقلیمی که بسر می بریم شهرت دارند .اگر چه چون گذشتگان و نیز تعدادی از اهل تحقیق و پژوهش جزو اول اسم قندهار را "قند" که اسم ماده و عنصر شیرین و شکرین است نمی دانم و این اسم را از اصل و بنیاد اسم "گندَهارا" اسم قدیم "ننگرهار" امروزی می دانم و گندهارا اسم و کلمه ایست که ریشه به اسم گندارا، گندهاری یا گنداری دارد و آن نامِ یکی از چهار قوم باشنده سرزمین بزرگ پکتیا بوده است که هرودوت پدر تاریخ از آن قوم در کنار سه قوم دیگر مسکون پکتیای بزرگ چون "پکت ها"، "ستاگیدیا" و "دادیک ها "یاد کرده است. شاید در عصر هخامنشیان و هم در آستانه حملات اسکندر، سرزمین ننگرهار نیز جزو قلمرو پکتیا بوده باشد. من جزو اول اسم گندهار(کندهار) را "گنده" می دانم و گنده برخلاف معنایی که در زبان پارسی دری دارد از ریشه زبان و فرهنگ "پشه یی" به معنی "خوشبو "خواهد بود و به این شکل گندهار(کندهار) به معنی سرزمین خوشبو خواهد شد و معنی اسم این دوسرزمین بی مناسبت به این معنی نیست زیرا سرزمین های کندهار و ننگرهار از گذشته ها سرزمین های گل و باغ های وسیع و زیبای میوه بوده اند و میوه ها و گل و سنبل این دو سرزمین درین حوزه از شهرت به سزایی برخوردار است و از جمله جشن "گل نارنج" از گذشته ها تا امروز از اعیاد عنعنوی مردم مشرقی و ننگرهار(گندهارا) است. حالا اگر از گذشته و دوران شعرای کلاسیک زبان پارسی دری در پیوند زیباورویان شکرین لب قندهار بگذریم، در اعصار مابعد و حتا تا زمانه ما نیز این سرزمین برخاستگاهِ زیبایان شکرین لعل و آهوچشمان افسونگر بوده است. یکی از زیبایانی با تاج و تخت این قافله "نورجهان" ملکه زیبای عصر گورکانی های هند است" .مهرالنسا" ملقب به نورجهان همسر با نفوذ و اقتدار جهانگیرشاه، یکی از شاهان گورکانی هند بود. این زن متولد قندهار و پدرش یکی از کارمندان ارشد دولت سلسله گورکانیان بوده است. از هوشیاری و زیبایی و حاضرجوابی ها و درأیت این خانم روایات زیادی تا امروز بجا

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رااليږلو مخکې په ځير و لولئ

مانده است. یکی دیگر از زیبارویان شریک تاج و تخت این قافله، "ممتاز بیگم" یا "ارجمند بیگم" برادر زاده نورجهان و خانم دوست داشتنی "شاه جهان" پسر جهانگیرشاه یکی دیگر از شاهان گورکانی هند بود که شاه جهان، "تاج محل" یا "ممتاز محل" را که یکی از بناهای زیبا و از شگفتی های معماری جهان است را به بزرگداشت زیبایی و وفاداری های این خانم بنا کرد. اگر ازاین زیبارویانی که شریک تاج و تخت و مسند و قدرت نیز بودند بگذریم، قندهار زیبارویان شُهرهٔ بی تاج و تخت نیز داشته است که شهرتِ کمتر از ملکه های عصر و دوران شان را نداشته اند. یکی از آن زیبارویان شُهره و نامدار "مدهوبالا" ستاره زیباروی کلاسیک و هنرپیشهٔ با نام سینمای بالیود بود. مدهوبالا دختر یکی از افغان های باشنده شهر دهلی کشور هند و از قوم "یوسف زایی" بود و مهد اولیه یوسف زایی ها سرزمین کندهار است که در زمان گورکانی ها این قوم در مناطق باجور و دره سوات با راندن و دور ساختن قوم "دلزاک " های مهاجم به آن سرزمین ها جابجا گردیدند که خود داستان و حکایت جداگانه ایست که در یکی از نوشته های بعدی به آن خواهم پرداخت. مدهو بالا، این زیبای بی تاج و تخت عاشقان بی شمار در سراسر جهان داشت که یکی از آن عاشقان کشته و سوخته راه اش دوکتوری از باشندگان کابل بود که در دهه پنجاه یا شصت میلادی عزم سفر دیدارش را نمود و با بایسکل تا شهر بمبئی هند صدها کیلومتر را پایدل زد و با گذراندن مخاطرات راه و دیدار مدهوبالا دوباره با بایسکل به کابل برگشت و به این شکل ریکارد عشق و محبت اش را نسبت به این بانوی زیبا روی شرق در صفحات تاریخ ثبت و ماندگار ساخت. یکی دیگر از زیبایان بی تاج و تخت قندهار در زمانه ما، "شاه پیری" با اسم هنری "نغمه" هنرپیشه محبوب کشور ماست. نغمه برعلاوه آنکه از بابت هنر و آوازش شهره و محبوب آفاق است، از لحاظ زیبایی و طنازی نیز طرفداران پر و پا قرصی در سراسر جهان دارد. اگر چه این خانم حالا در آستانه پیری قرار گرفته ولی هنوز هم زیبایی و طنازی هایش را حفظ دارد و کاروانی از عاشقان و طرفدارانش را با زنجیر زلف هایش بدنبال می کشد .امیدوارم این هنرپیشه زیبارو سالیان درازی باز هم در اوج شهرت و زیبایی زندگی نماید .من که در بیشترین نقاط افغانستان سفرهایی نموده ام، در میان مردم لغمان و کنر و ننگرهار و باجور و نیز مردم کوچی، زیبارویانی را دیده ام که به قدرت آفرینش با شگفتی انگشت به دندان مانده ام. من چنان زیبایی های طبیعی و بدون آرایش و پیرایش را نه در میان ستاره گان هالیود دیده ام و نه در بالیود، ولی با تأسف که همه ی آن زیبایان در زیر جُل و لباس های مندرس بوده و زیسته اند، در فقر و فاقگی بدنیا آمده اند و در گمنامی در کوه پایه ها و دره ها بسر برده اند و بی هیچ نشانه یی از خود چون باد صبا گذر کرده اند. آن زیبایان بنا به حساسیت های سنتی هرگز شکار کمره عکاسان و خبرنگاران نیز نشده اند. البته چنان زیبایی های شگفت انگیز تنها مختص به زنان پشتون نیست که مردان پشتون نیز چون زنان شان در میدان حسن و زیبایی، درین حوزهٔ جغرافیایی یکه تاز و ممتاز و زبانزد اند. پشتون ها از نظر من محصول و آمیزه زیبایی از نژاد آریا با باشنده های قدیم این سرزمین و در کُل باشندگان شبه قاره هند اند که در نوشته های بعدی ام آنرا پیگیری خواهم نمود.

آرشیف: مطالب نشر شدهٔ محترم محمدصالح گردش

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ